

مرداد ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۵، صفحات ۸۵-۱۰۰

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵. ۶۳۱۴

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: میراث مکتوبی که از گذشتگان باقی مانده است، یکی از مهمترین ارکان تشکیل‌دهنده فرهنگ و تمدن در جوامع بشری بشمار می‌آید و تا زمانی که این میراث بصورت دقیق و علمی تصحیح و منتشر نشود، چهره فرهنگی هیچ ملتی بصورت کامل آشکار نمیشود. بنابراین تصحیح و احیای نسخه‌های خطی که همانند زنجیره‌های مستحکمی دیروز و امروز را بهم پیوند زده‌اند، از اولویتهای ادب‌پژوهان است. یکی از نمونه‌های این‌گونه آثار دیوان عنصری، ملک‌الشعرای دربار محمود غزنوی و یکی از بزرگترین مدیحه‌سرایان و قصیده‌پردازان شعر فارسی است. باوجود اینکه این دیوان تاکنون دو بار توسط یحیی قریب و محمد دبیرسیاقی تصحیح و چاپ شده است، اما چون نسخه‌هایی که در دسترس آنها بوده، نسخه‌های معتبری نیستند، در هر دو چاپ اشکالاتی دیده میشود.

روش مطالعه: در این پژوهش نظری که به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است، با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر چاپ دبیرسیاقی و نسخه‌هایی که بدانها دست یافته‌ایم، تصحیح بیتهایی از دیوان عنصری به دور از ذوق و سلیقه شخصی و بر مبنای ویژگیهای سبکی شاعر و معاصران او آورده شده است.

یافته‌ها: سروده‌های عنصری تاکنون دو بار، توسط یحیی قریب و محمد دبیرسیاقی تصحیح شده که هر دو تصحیح همراه با اشکالاتی است که خواننده را از دریافت معنای دقیق اشعار او باز میدارد و این بدان سبب است که این دو مصحح برخی از نسخه‌های موجود از دیوان عنصری را ندیده‌اند. **نتیجه‌گیری:** با مراجعه به نسخه‌های خطی متعددی که بدانها دست یافته‌ایم و با توجه به برخی ویژگیهای سبکی عنصری و معاصران او این نتیجه بدست آمد که اشکالات وارد شده در تصحیح‌های انجام‌شده از سروده‌های عنصری، یا ناشی از اشتباه کاتبان بوده یا مصححان.

تاریخ دریافت: ۰۵ خرداد ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۰۷ تیر ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۱۹ تیر ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۰۸ شهریور ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

عنصری، تصحیح متن، دیوان اشعار، دبیرسیاقی.

* نویسنده مسئول:

mastali.parsa@gmail.com

۸۸۶۹۴۶۶۵ (۰۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Correction of verses by Onsuri

Gh. Mastali Parsa *, F. Ghaffari

Department of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۲۶ May ۲۰۲۱
 Reviewed: ۲۸ June ۲۰۲۱
 Revised: ۱۰ July ۲۰۲۱
 Accepted: ۳۰ August ۲۰۲۱

KEYWORDS

Elementary, Text Correction,
 Poetry Divan, Political Secretary.

*Corresponding Author

✉ mastali.parsa@gmail.com

☎ (+۹۸ ۲۱) ۸۸۶۹۴۶۶۵

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: The written heritage of the past is one of the most important components of culture and civilization in human societies and until this heritage is not accurately and scientifically corrected and published, the cultural face of any nation will be fully revealed. It is not possible. Therefore, the correction and revival of manuscripts, which, like strong chains, connect yesterday and today, is one of the priorities of literary scholars. One of the examples of such works of Divan Ansari is the queen of poets in the court of Mahmoud Ghaznavi and one of the greatest praisers of Persian poetry. Although this divan has been corrected and published twice by Yahya Gharib and Mohammad Dabirsiyaghi, but because the copies available to them are not authentic copies, there are problems in both editions.

METHODOLOGY: In this theoretical research that has been done in a library style, with a descriptive-analytical method and relying on the printing of the secretary and the manuscripts that we have obtained, correcting verses from the elemental divan far from taste and The personal taste is based on the stylistic characteristics of the poet and his contemporaries.

FINDINGS: Elementary poems have been corrected twice so far by Yahya Gharib and Mohammad Dabirsiyaghi, both of which are accompanied by problems that prevent the reader from receiving the exact meaning of his poems, and this is due to the fact that these two proofreaders They have not seen any elements of the elemental court.

CONCLUSION: By referring to the numerous manuscripts that we have obtained and considering some elements of the elemental style and his contemporaries, it was concluded that the defects in the corrections made from the elemental poems, or due to the mistakes of the scribes or proofreaders.

DOI: [1۰,۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲,۱۰,۷۳۱۴](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.10.7314)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۷	 .	 .

مقدمه

دیوان عنصری جزو متونی است که تاکنون دو بار توسط یحیی قریب در سال ۱۳۲۳ و محمد دبیرسیاقی در سال ۱۳۴۲ تصحیح و چاپ شده است، ولی باوجود زحمتهای فراوان این دو محقق، بسیاری از مشکلات و مبهمات شعر او بی‌جواب مانده و خواننده از رسیدن به متن اصلی و قضاوت صحیح درباره شعر این شاعر مداح سبک خراسانی دچار تردید و تزلزل گردیده است. در بررسی‌هایی که در باب این امر صورت گرفت، به نسخه‌هایی دست یافتیم که مورد استفاده این دو مصحح قرار نگرفته بود. در این تحقیق ما در پی آن هستیم تا نمونه‌ای از بیت‌هایی را که در تصحیح دبیرسیاقی از نظر ضبط لغت و تصحیح دچار اشکال هستند براساس نسخه‌هایی که یافته‌ایم تصحیح کنیم. در این میان از نسخه‌های مختلفی استفاده می‌کنیم که بدلیل طولانی بودن نامشان، اسامی آنها در مقاله حاضر بشکل اختصاری آورده شده است.

نسخه‌ها و علایم اختصاریشان:

یک نسخه با شماره ۹۰۸ از کتابخانه مرکز احیا علوم که با علامت اختصاری «احیا» آمده است.

یک نسخه از کاخ‌موزه گلستان که کتابی است با نام جنگ اشعار که با علامت اختصاری «کاخ» آمده است.

سه نسخه با شماره‌های ۱۰۷۱۵۴، ۳۰۲۰۷، ۱۲۵۲۲۶ از کتابخانه ملی که به ترتیب با علامتهای اختصاری «مل ۱»، «مل ۲»، «مل ۳» آمده‌اند.

یک نسخه با شماره ۳۸۹ از کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار که با علامت اختصاری «سپه» آمده است.

شش نسخه با شماره‌های ۹۸۳۳، ۹۸۳۳، ۹۸۳۲، ۹۸۳۲، ۹۸۳۳، ۹۸۳۳، ۹۸۳۳، ۹۸۳۳، ۹۸۳۳، ۹۸۳۳، ۹۸۳۳ از کتابخانه مجلس شورای اسلامی که به ترتیب با علامتهای اختصاری «مج ۱»، «مج ۲»، «مج ۳»، «مج ۴»، «مج ۵»، «مج ۶»، «مج ۷»، «مج ۸»، «مج ۹»، «مج ۱۰» آمده‌اند.

سه نسخه با شماره‌های ۵۸، ۵۴۶۸، ۶۱۳۸ از کتابخانه دانشگاه تهران که به ترتیب با علامتهای اختصاری «ته ۱»، «ته ۲» و «ته ۳» آمده‌اند.

دو نسخه ۳۱۹۲، ۳۱۲۹ احمد منزوی که به ترتیب با علامتهای اختصاری «من ۱» و «من ۲» آمده‌اند.

روش کار در تصحیح این دیوان التقاطی و انتقادی و قیاسی است؛ بدین‌گونه که از تمام نسخه‌های نام‌برده موجود برای تصحیح ابیات استفاده کرده و کلمه یا عبارت منتخب از این نسخه‌ها را که بیشتر از روی دلیل و گاهی مقایسه با دیگر نسخ بر متن دبیرسیاقی ارجحیت دارد، همراه با نقد متن دبیرسیاقی، جایگزین متن او کرده‌ایم. احیای این دیوان (که در رساله دکترای نگارنده بطور کامل به تصحیح آن پرداخته شده)، فرصت مناسبی است تا این متن ارزنده ادبی را که از نمونه‌های برجسته شعر مدحی در تاریخ ادب این سرزمین است، یک بار دیگر تا آنجا که مقدور است به پیرایه تصحیح و تنقیح بیاراییم و متنی درخور اعتماد فراهم سازیم و براساس آن، سبک و شیوه سخن-پردازی و ویژگیهای زبانی و ادبی اشعار عنصری را بعنوان شاعر مداح سبک خراسانی بشناسیم.

ضرورت و سابقه پژوهش

عنصری از آن دسته سرایندگانی است که با توجه به زمان زندگی، استناد به شعر او و واژه‌های بکاررفته در دیوانش، تأثیر گسترده‌ای در بخشهای گوناگون ادب و حتی زبان فارسی میگذارد؛ بر همین اساس، ما در این پژوهش در پی آن هستیم نمونه‌هایی از بیت‌های تصحیح‌شده دیوان عنصری در ضبط دبیرسیاقی را دوباره بررسی کرده و اشکالات موجود در آن را تصحیح کنیم. نظر به نقش برجسته عنصری در شعر و ادب فارسی و تأثیر بسزای

او بعنوان شاعری مداح در شعر سبک خراسانی و اشکالاتی که در ضبط تصحیح‌های قریب و دبیرسیاقی وجود دارد، دو مقاله تحت عنوان «تصحیح بیت‌هایی از دیوان عنصری» نوشته راضیه آبادیان (۱۳۹۳ و ۱۳۹۴) نیز در این زمینه منتشر شده است که بخش بسیار کوچکی از اثر را شامل می‌شود. بنا بر جستجویی که صورت گرفت، تاکنون هیچ تحقیق مستقلی که سایر جنبه‌های این پژوهش را بررسی کند، نگاشته نشده است. تحقیق حاضر نیز با دو مقاله معرفی‌شده همپوشانی ندارد.

بحث و بررسی

در این بخش بصورت تصادفی از میان قصاید دیوان عنصری، بیت‌هایی را آورده‌ایم که در چاپ دبیرسیاقی به اشتباه تصحیح شده‌اند و با مراجعه به نسخه‌های مختلفی که در اختیار داشته‌ایم به تصحیح آنها پرداخته‌ایم. برای مثال بیت زیر در تصحیح دبیر سیاقی به این شکل آمده است:

یکی دل بیند اندر درع و خفتان یکی مو بیند اندر ترک و مغفر

(عنصری: ص ۴۹، بیت ۶۰۴)

در نسخه‌های احیا، کاخ، سپه، من، ۱، ته، ۱، مج ۴، مج ۷، مج ۹ بجای کلمه "بیند" در مصرع اول کلمه "دوزد" آمده است. همچنین در مصرع دوم نیز بجای عبارت "مو بیند" در نسخه‌های مل ۲، من، ۱، ته، ۱، مج ۳، مج ۴، حاشیه مج ۷، مج ۸، مج ۹ عبارت "سر برد"، در نسخه‌های سپه احیا مج ۷ عبارت "سردرد"، در نسخه ته ۳ عبارت "سر بندد" و در نسخه کاخ عبارت "سر دوزد" را داریم. اکنون با توجه به اتفاق اکثر نسخه‌ها بر روی کلمه دوزد در مصرع اول این کلمه را جایگزین کلمه بیند کرده و در مصرع دوم نیز با توجه به مصرع اول که قرینه‌ای برای مصرع دوم است و باتوجه به معنی بیت عبارت "سر دوزد" را از نسخه کاخ گلستان بجای عبارت "مو بیند" قرار می‌دهیم. به این شکل:

یکی دل دوزد اندر درع و خفتان یکی سر دوزد اندر ترک و مغفر.

حال با توجه به بیت قبل، معنی بیت به این شکل میشود: امیر ابوالمظفر کسی است که در روز نبرد دل دشمنان را با خنجر خود به زره ایشان و سر آنها را نیز با نیزه به کلاه خود آنها میدوزد.

مثال دیگر:

ز رنگ رخس پر گل سرخ مجلس ز رنگ لبش پر می لعل ساغر

(همان: ص ۴۲، بیت ۴۸۴)

در تصحیح آقای دبیرسیاقی در این بیت کلمه رنگ در هر دو مصرع تکرار شده که کمی نازیبا و ناخوشایند بنظر میرسد. اما با بررسی و مشاهده نسخه‌های موجود و در دسترس و با اندکی تفحص در نسخه‌های کاخ، سپه، مل ۱، مل ۲، ته ۳، مج ۲، مج ۴، مج ۷، مج ۸، مج ۹، بجای کلمه رنگ، کلمه عکس را مییابیم و جایگزین آن میکنیم. در این صورت بیت به این شکل خواهد شد:

ز رنگ رخس پر گل سرخ مجلس ز عکس لبش پر می لعل ساغر

که بنظر درستتر و صحیحتر است.

مثال دیگر:

به زیر پای مر او را چه دشت و چه دریا چه قلعه‌های فلک برج بیستون همشیر

(همان: ص ۶۸، بیت ۸۳۹)

کلمه "همشیر" در فرهنگ لغت به معنی دو کودک که از یک پستان شیر میخورند آمده است (لغتنامه دهخدا: ذیل واژه همشیر) و با توجه به این معنی در تصحیح دبیرسیاقی به غلط بکار رفته و بیمعنی میباشد. از سوی دیگر همچنین با بررسی نسخه‌ها به "عبارت بیستون و حمیر" در نسخه‌های مل ۲ و مج ۹ برخوردیم و چون کلمه حمیر در فرهنگ لغت به معنی روستایی در شهر صنعا میباشد (همان، ذیل واژه حمیر) به قطع نظر این کلمه صحیحتر است. در این صورت بیت میشود:

به زیر پای مر او را چه دشت چه دریا چه قلعه‌های فلک برج بیستون و حمیر

معنی نیز اینگونه خواهد بود: در نظر سلطان محمود دریاها و دشتها یکسانند و هر دو به زیر پای او هموار و مساعدند همانطور که قلعه‌های بلند برج بیستون با روستاهایی چون روستای حمیر در نزد او برابرند و فتحشان برای او کار آسانی است. البته در سه نسخه ته ۱، من ۱ و مج ۷ به ترتیب عبارتهای مستقین ضمیر، مستعین خمیر و مستعین ضمیر را داریم که با توجه به معنی بیت اینجا همان نسخه‌های مل ۲ و مج ۹ صحیحتر میباشند.

مثال دیگر:

سده است امشب ای شاه دادش بده بدو گوهر و هر دو از یکدگر

(همان: ص ۵۲، بیت ۶۵۳)

معنی این بیت با توجه به متن دکتر دبیرسیاقی اینگونه میشود: ای شاه امشب شب جشن سده است پس باید داد و بخشش کامل دهی. مصرع دوم: پس باید به سده گوهر و به هر دو آنها (یعنی گوهر و سده) از همدیگر، بخشش کنی که در این حالت معنی مصرع دوم قطعاً غلط میباشد.

در بررسی میان نسخه‌ها در نسخه‌های ته ۳، مج ۳، مج ۴ و مج ۸ به عبارت "بده گوهر و زر ابا یکدگر" برمیخوریم که با توجه به معنی و همچنین کاربرد حرف اضافه "ابا" که شکل کهن حرف «با» و یکی از مهمترین ویژگیها و مختصات زبانی شعر سبک خراسانی است این عبارت را درست دانسته و جایگزین مصرع دوم میکنیم. در این حالت معنی کامل بیت اینگونه میشود: امشب جشن سده است پس شاهها باید که داد و بخشش کامل دهی. بخششی که شامل گوهر و زر بوده و از هر دو آنها باهم بر ما ببخشایی.

همچنین در نسخه‌های من ۱، مج ۹ و ته ۱ نیز به ترتیب عبارتهای: "گوهر و زر با یکدگر" و "به گوهر و زر ابا یکدگر" و "بود گوهر زر با یکدگر" آمده‌اند که البته هر کدام غلطهایی دارند و خود راهنمایی هستند در انتخاب نسخه‌های ته ۳، مج ۳، مج ۴ و مج ۸ تا عبارت این چهار نسخه را بعنوان صورت صحیحتر برگزینیم.

مثال دیگر:

چو چرخ روز باشد روز رامش چو برج روز باشد وقت پیکار

(همان، قصیده ۱۳، ص ۳۸، بیت ۴۳۴)

در تصحیح دبیرسیاقی در این بیت کلمه "روز" دو بار در مصرع اول تکرار شده و شکل ناخوشایندی به آن داده است. با توجه به نسخه‌های احیا، سپه، مل ۲، ته ۳، من ۱، مج ۳، مج ۴، مج ۷، مج ۸، مج ۹ بجای کلمه روز در عبارت روز رامش از کلمه "وقت" استفاده شده است یعنی به این شکل:

چو چرخ روز باشد وقت رامش چو برج روز باشد وقت پیکار

از طرفی چون مصرع دوم در ترتیب قرار گرفتن کلمات قرینه‌مناسبی برای مصرع اول است و با توجه به قرار گرفتن دو کلمه "روز" در هر دو مصرع در عبارتهای "چرخ روز" و "برج روز" به موازات هم استفاده از کلمه "وقت" نیز در هر دو مصرع در عبارتهای "وقت رامش" و "وقت پیکار" صحیحتر بنظر میرسد.

مثال دیگر:

خاصه کردش به هشت چیز خدای که بدان هشت دیدش اندر خور
زندگانی و ملک و دولت و دین پادشاهی و عدل و فضل و نظر

(همان: ص ۶۰، بیت ۷۵۲)

این دو بیت چون موقوف‌المعانی هستند و درک معنی صحیح آنها وابسته به یکدیگر است باهم آورده شده‌اند. حال به شرح معنی ابیات میپردازیم. بیت اول: خداوند هشت چیز را مختص امیر نصرین سبکتگین کرده است که تنها او را سزاوار آن هشت چیز دانسته است. بیت دوم: آن هشت چیز به ترتیب اینها هستند: زندگانی، ملک، دولت، دین، پادشاهی، عدل، فضل و نظر اینجا بحث بر روی کلمه "نظر" هست که دبیرسیاقی در مصرع دوم بیت دوم در تصحیح خود آورده‌اند. با توجه به معنی، چون کلمه نظر اینجا معنی روشنی ندارد و خواننده متوجه معنی اختصاص نظر از طرف خداوند به امیر نمیشود ما به بررسی نسخه‌ها برای یافتن کلمه‌ای مناسبتر پرداخته و در پایان این بررسی متوجه شدیم بجای کلمه نظر در نسخه‌های مل ۲، ته ۱، مج ۲، مج ۳ و مج ۷ از کلمه "هنر" استفاده شده است. از طرفی چون قبل کلمه نظر در مصرع دوم، کلمه فضل قرار گرفته میتوان با از استفاده از همین همنشینی مناسب دو کلمه فضل و هنر که معمولاً باهم بکار میروند، کلمه هنر را بجای کلمه نظر آورده و آن را صحیحتر بدانیم. در این صورت معنی بیت دوم این‌گونه میشود: خداوند زندگانی، ملک، دولت، دین، پادشاهی، عدل و فضل و هنر را مختص امیر کرده است.

مثال دیگر:

گفتم اندر کفش چه گویی تو گفت دریا به جای او چو سراب

(همان: ص ۸، بیت ۱۰۳)

در این بیت بحث ما بر روی کلمه "به جای" است. شاعر به معشوقه‌اش میگوید تو در مدح کف دست امیر که مجاز از بخشش اوست چه ستایشی میتوانی بکنی و معشوقه‌اش پاسخ میدهد که دریا با همه عظمت و بخششی که دارد در نزد بخشندگی کف دست امیر عاجز و مانند سراب هیچ است. در نسخه‌های مل ۱، مل ۲، مج ۲، مج ۷، مج ۹، ته ۳ از کلمه "به پیش" بجای کلمه "به جای" استفاده شده است. به این شکل: گفتم اندر کفش چه گویی تو / گفت دریا به پیش او چو سراب. چون در متون قدیم کلمه "به جای" به معنی "در حق" بکار رفته است. پس استفاده از کلمه "به پیش" که به معنی "در نزد" میباشد در این ترکیب صحیحتر است.

مثال دیگر:

تو ای شاه از ز جنس مردمانی بود یاقوت نیز از جنس اشجار

(همان: ص ۴۱، بیت ۴۷۶)

در این بیت کلمه "اشجار" به عربی و جمع مکسر کلمه شجر به معنی درخت است. با توجه به معنی این کلمه معنی مصرع دوم اینگونه میشود که: یاقوت از جنس درختان است و این غلط واضح و آشکار خواهد بود. با تفحصی در نسخه‌ها میبینیم در نسخه‌های احیا، سپه، مل ۲، من ۱، ته ۱، ته ۳، مج ۲، مج ۳، مج ۴، مج ۷ و مج ۹، بجای کلمه اشجار از کلمه "احجار" استفاده شده که به معنی سنگها میباشد و با جایگزین کردن آن شکل صحیح متن اصلی نیز بدست می‌آید.

مثال دیگر:

گفتم آزاده گوهری وقف است گفت آری ز نسل و از ارباب

(همان: ص ۹، بیت ۱۱۸)

ترکیب "وقف است" یعنی موقوف و منحصر است. معنی بیت: گفتم آزاده گوهری در او (ممدوح) وقف شده است و مخاطب پاسخ میدهد بله، از فرزندان و از بزرگان او. معنی مصرع دوم درست از آب در نمی‌آید. وقف شدن معمولاً با حرف "در" بکار میرود نه حرف اضافه "از". در بررسی نسخه‌ها در نسخه ۹۸۳۹ مجلس که به اختصار همان مج ۹ است، بشکل بهتر و درستتری از مصراع دوم برخورداریم که اینجا می‌آوریم: گفتم آزاده گوهری وقف است / گفت در نسل او و در اعقاب.

کلمه اعقاب در مصرع دوم به معنی فرزندان و آیندگان میباشد (لغتنامه دهخدا: ذیل واژه اعقاب) و با کلمه قبل از خود یعنی نسل، تناسب بیشتری دارد. با توجه به شکل جدید مصراع دوم از نسخه مج ۹ معنی بیت اینگونه میشود: گفتم آزاده گوهری منحصر در وجود ممدوح است و مخاطب پاسخ میدهد که این صفت در او و نسل و فرزندان او منحصر شده است، با این بیان متن دبیرسیاقی نادرست است و آنچه در نسخه مج ۹ آمده صحیحتر بنظر میرسد.

مثال دیگر:

چه خیزد از غزل و نعت نیکوان گفتن چرا نگویی نعت و ثنای خیر بشر

در نسخه‌های احیا، سپه، مج ۷، من ۱، ته ۱، ته ۳، مج ۳، مج ۴، مج ۸، مج ۹ بجای کلمه "خیر" کلمه "فخر" آمده است و چون قصیده در مدح ممدوح است و عنصری در دیوان خود در مدح ممدوحانش از عبارت "فخر بشر" زیاد استفاده کرده است، برای مثال در بیت زیر:

مراد عالم و شاه زمین و گنج هنر قوام ملک و نظام هدی و فخر بشر

(همان: ص ۸۷، بیت ۱)

بنابراین اینجا نیز کلمه فخر را جانشین کلمه خیر قرار میدهیم.

مثال دیگر:

چون بهار آید ز طبع او دمد نی ریح گل این بهار از گل دمیده‌ست این از آن نیکوتر است

(همان: ص ۱۵، بیت ۱۷۸)

همانطور که میبینیم، "نی ریح" در مصرع اول، معنای روشنی ندارد. از طرفی در نسخه‌های مج ۹ و من ۱ مصرع اول به این شکل آمده است: چون بهار آید ز طبع او دمد بی رنج گل. در این صورت معنا کاملاً مشخص خواهد بود. بنابراین متن دو نسخه ذکر شده بر تصحیح دبیرسیاقی برتری دارد.

مثال دیگر:

همیشه پایگه و جای او رکاب و حناست چنانکه بستر و بالینش جوشن و مغفر کلمه "حنا" در اینجا هیچ تناسبی با بیت ندارد. در نسخه‌های احیا، سپه و مج ۷ بجای کلمه حنا کلمه "عنان" و در نسخه مج ۳ عبارت "عنانست" آمده است که هر دو گروه در خود کلمه عنان درست هستند. زیرا کلمه عنان با دیگر کلمات مثل رکاب و مغفر و... که در مدح ممدوح است و در کل با معنی بیت تناسب بیشتری دارد. نسخه مج ۳ بخاطر وزن بر سه نسخه دیگر برتری دارد. بنابراین نسخه مج ۳ نسخه برتر و متن دبیرسیاقی غلط است.

مثال دیگر:

به پای همت او بر نساید اگر فکرت برآرد پر و بالا

(همان: ص ۵، بیت ۵۳)

در نسخه‌های مج ۹ و ته ۱ به ترتیب بجای کلمه "بر نساید" که بی معنی میباشد، کلمات "بر نیاید" و "پر نساید" آمده است. با توجه به معنی بیت، مندرجات هر دو نسخه میتواند جایگزین خوبی برای کلمه "بر نساید" باشند. فعل پیشوندی برآمدن اینجا به معنی رسیدن آمده است. در این صورت معنی بیت اینگونه میشود: اگر خیال پروبال هم در بیاورد به پای همت ممدوح من نمیرسد. یا اگر بخواهیم صورت دوم (پر نساید) را جایگزین کنیم معنی به این شکل میشود که: اگر خیال بال و پر هم در بیاورد نمیتواند پرش را به پای همت ممدوح بساید. بنابراین متن این دو نسخه درستتر از متن دبیرسیاقی است.

مثال دیگر:

فلک باشد به جای کامرانی زمین گردد به وقت احتمالا

(همان: بیت ۶۲)

در نسخه مج ۹ بجای کلمه "به جای" در مصرع اول کلمه "به گاه" بکار رفته است. یعنی به این شکل: فلک باشد به گاه کامرانی. همانطور که در یکی از مثالهای قبلی ذکر شد کلمه به جای در متون قدیم به معنی "در حق" بکار رفته است که اینجا بیمعنی میباشد. کلمه "گاه" نیز در متون قدیم به معنی "وقت" و "زمان" میباشد و در این صورت معنی مصرع اول اینگونه میشود: ممدوح در زمان خوشی و کامرانیها در بذل و بخشش مانند فلک میشود. به این ترتیب صورت صحیح متن بدست می‌آید.

مثال دیگر:

- بمزد مرکبش چون تیز گردد به شاگردی رود باد شمالا

(همان: بیت ۶۹)

در نسخهٔ مج ۹ بجای کلمهٔ "بمزد" کلمهٔ "نورد" بکار رفته است. کلمهٔ "نورد" در فرهنگ لغت و متون کهن به معانی مختلفی از جمله: پسندیده، زیبا، پیچ و تاب، دامن پیراهن و... بکار رفته است که از میان آنها میتوان به معنی "حرکت و جولان" اشاره کرد (لغتنامهٔ دهخدا: ذیل واژهٔ نورد). نمونهٔ مثالی از کلمهٔ نورد به معنی حرکت، در متون کهن: فرمود به پیر کای جوانمرد / زین بیش مرا نماند نورد (لیلی و مجنون: ص ۲۹۳). کلمهٔ نورد به این معنی با متن شعر عنصری و کلمهٔ مرکب، تناسب بیشتری دارد. حال، معنی بیت اینگونه میشود: جولان و حرکت مرکب ممدوح من، به وقت شتاب گرفتن بر باد شمال برتری میجوید. بنابراین نسخهٔ مج ۹ شکل درست متن اصلی را دربر داشته و آنچه در تصحیح دبیرسیاقی آمده اشتباه است.

مثال دیگر:

کنی سؤال که توقیر چیست خدمت او به حق رسیدن باشد هرآینه توقیر
به خدمتش برس از آرزوست توقیرت که هرکه ماند ز توقیر ماند در تقصیر

(همان: ص ۸۲، ابیات ۱۰۰۵ تا ۱۰۰۴)

در این دو بیت بحث بر روی کلمهٔ "توقیر" است. این کلمه در فرهنگ لغت به معنی بزرگ داشتن و احترام گذاشتن و به شکوه داشتن است. (لغتنامهٔ دهخدا: ذیل واژه). در نسخه‌های سپه، مل ۲، من ۱، ته ۱، مج ۳، مج ۴، مج ۹ و حاشیهٔ مج ۷ در هر دو بیت و هر چهار مصراع، بجای کلمهٔ "توقیر" از کلمهٔ "توفیر" استفاده شده است و در همین نسخه‌ها به اضافهٔ نسخه‌های احیا، مج ۸ و مج ۲ مصرع اول بیت دوم بشکل: "برس به خدمتش از آرزوست توفیرش" آمده است. کلمهٔ توفیر در فرهنگ لغت به معنی افزوده شدن، اضافهٔ درآمد، سود، تفاوت، مبادینت، منفعت و... بکار رفته است. (همان: ذیل واژهٔ توفیر). با توجه به این معانی و بکار رفتن عبارت "به حق رسیدن" توسط شاعر در مصرع دوم که بیشتر با مال‌اندوزی زیاد تناسب دارد تا احترام گذاشتن و بزرگ داشتن و همچنین استفاده از کلمهٔ تقصیر به معنی کمی و کاستی در بیت دوم که نقطهٔ مقابل توفیر است، کلمهٔ "توفیر" صورت درست در متن اصلی شعر بوده و بر توقیر در تصحیح دبیرسیاقی برتری دارد. صورت صحیح مصراع اول بیت دوم همانطور که گفته شد نیز "برس به خدمتش" است نه "به خدمتش برس". زیرا از مهمترین ویژگیهای زبانی سبک خراسانی مقدم آمدن فعل نسبت به سایر اجزا در جمله است. مثال:

برآمد برین روزگار دراز زمانه به دل در همی داشت راز

(شاهنامه: ص ۱۰۷)

حال معنی صحیح ابیات با جایگزین کردن کلمهٔ "توفیر": شاعر به مخاطب میگوید تو از من سؤال میکنی که در خدمت سلطان توفیر به چه معنا میباشد و او پاسخ میدهد توفیر همان دست یافتن به حق خود است. پس اگر آرزو داری تا به مال زیاد و سود بیشتر دست یابی و تو را در نزد سلطان نسبت به دیگران تباینی در کار باشد، به خدمتگزاری او بپرداز که هر کسی که از زیاده‌خواهی درماند به کم و کاستی گرفتار آید.

مثال دیگر:

زیر هر حرفی ز لفظش عالمی مضمّر شود زیر هر بیتی ز علمش عالمی مضمّر شود

(همان: ص ۲۵، بیت ۲۹۲)

در نسخ کاخ، احیا، سپه، ته ۱، ته ۳، مل ۱، مل ۲، مج ۱، مج ۲، مج ۳، مج ۴، مج ۷، مج ۸

در مصرع اول بجای کلمه "مضمّر" از کلمه "مظهر" استفاده شده است. با توجه به اینکه یکی از اصول مهم بدیع پرهیز از تکرار واژه‌های در شعر است، قطعاً تکرار کلمه "مضمّر" در تصحیح دبیرسیاقی غلط و در هر دو مصراع شکل ناخوشایندی به بیت میدهد و با توجه به آنچه در نسخه‌ها آمده است با جانشین کردن کلمه "مظهر" بجای کلمه "مضمّر" میتوانیم شکل درستتری از بیت بدست آوریم.

مثال دیگر:

باد با دست ندیمش باده سوری شود چرخ با پای خطیبش پایه منبر شود
(همان: بیت ۲۹۳)

زیاد صورت صحیح متن شعر است زیرا باده از جنس آب است نه باد. معنی مصراع: آبی که از دست ندیم سلطان به او داده میشود به باده سرخ تبدیل میشود.

اب جودش بردمد زرین شود گیتی همه آتش خشمش بخیزد سنک خاکستر شود
(همان: ص ۲۵، بیت ۲۹۴)

بجای واژه "آب" در تصحیح دبیرسیاقی در نسخه مج ۹ از کلمه "باد" استفاده شده است که به احتمال زیاد صورت صحیح در متن اصلی شعر میباشد. زیرا فعل "بردمیدن" با باد تناسب بیشتری دارد تا آب.

مثال دیگر:

گفتم که دو دم از دل و ابرم ز چشم خاست گفتا که دود از آتش خیزد بخار از آب
(همان: ص ۱۰، بیت ۱۳۷)

بجای واژه "ابرم" در تصحیح دبیرسیاقی در نسخه مج ۹ واژه "آبم" آمده که صحیحتر است؛ زیرا آب مجاز از قطره اشک است که از چشم جاری میشود و با چشم تناسب بیشتری دارد.

مثال دیگر:

همچو دست در بارانت سحاب رحمت است زانکه بر هر کس ببارد وین بود فعل سحاب
(همان: ص ۱۳، بیت ۱۶۰)

تنها نسخه متفاوت با تصحیح دبیرسیاقی نسخه مج ۹ است که به متن اصلی اشعار عنصری نزدیکتر است. در این نسخه مصراع اول این بیت به این شکل آمده است "همچو در پاش تو پنداری سحاب رحمت است" ولی همانطور که میبینیم باز معنای درستی از این مصراع به ما نمیدهد اما با کمی تأمل و درنگ و آشنایی با سبک عنصری درمیابیم که واژه "همچو" در این نسخه به غلط آمده و بجای آن باید واژه دست قرار میگرفت. یعنی به این شکل:

دست در پاش تو پنداری سحاب رحمت است زانکه بر هر کس ببارد، وین بود فعل سحاب

از طرفی کاربرد ترکیب "دُرپاش" و یا ترکیباتی شبیه به آن در شعر شاعران سبک خراسانی می‌تواند دلیل دیگری باشد بر صحت این ادعا که نسخهٔ مج ۹، نزدیکترین نسخهٔ موجود از لحاظ در برداشتن صورت صحیح متن اصلی اشعار دیوان عنصری است. مثال:

چو دُرپاش گردد به معنی زبانم رسد مرحبا از زمین و زمانم
(دیوان رودکی: ص ۳۲)

جهانداری به خودکامی عطاپاشی به خودرایی بزرگان را عطا دادن بیاموزی و بنمایی
(دیوان فرخی: ص ۴۲۱)

مثال دیگر:

نیارد سرشک از هوا بر زمین نخیزد سیاه ابر تا از بحار
(همان: ص ۸۶، بیت ۱۰۴۷)

معنی این بیت طبق تصحیح دبیرسیاقی به این شکل میشود: تا ابر سیاه از دریا برنخیزد، باران از هوا بر زمین نیارد. در این صورت، معنی بیت غلط خواهد بود؛ زیرا این بخار است که از دریا بلند میشود نه ابر. از طرفی مصراع دوم در برخی نسخه‌ها به سه شکل متفاوت (از نظر دستوری) و صحیح (از نظر معنی) آمده است که عبارتند از: نسخه‌های ته ۳، مج ۹: سیاه ابر را تا نخیزد بخار. نسخه‌های احیا، مج ۳ و مج ۴: سیاه ابر تا برنخیزد بخار. و نسخهٔ مج ۷: سیاه ابر را تا نخیزد بخار. میتوان گفت هر سه شکل این نسخه‌ها درستتر از شکل تصحیح دبیرسیاقی است و میتوان آنها را جایگزین مصراع دوم کرد. البته با کمی تأمل نسخه مج ۷ را نسبت به دو نسخهٔ دیگر بعلت سازگاری بیشتر با سبک عنصری میتوان بعنوان نسخهٔ منتخب برگزید.

مثال دیگر:

ز گرگنج رخشد گهی رایتش گهی از در باری و قندهار
(همان: ص ۸۵، بیت ۱۰۴۰)

در اینجا شاعر در به توصیف کمالات ممدوح خویش، محمود غزنوی پرداخته است و میگوید: پرچم فتوحات و قلمرو محمود در بیشتر سرزمینها از جمله گرگان و قندهار و در باری درخشیده است یعنی آن نواحی جزو فتوحات و قلمرو او بوده‌اند. همانطور که میبینید کلمهٔ "باری" اینجا معنی ندارد. اما در نسخه‌های احیا، من ۱، مج ۲، ته ۳، مج ۳ و مج ۴ بجای کلمهٔ باری، کلمهٔ "تازی" و نیز در نسخهٔ مج ۷ کلمهٔ "باره" آمده است. این کلمه در فرهنگ لغت به معانی اسب، دفعه، روش، حصار، برج و دیوار قلعه بکار رفته است. (لغتنامهٔ دهخدا: ذیل واژه) که اینجا معنی اخیر (دیوار قلعه) مورد نظر ماست. در این صورت شکل هر دو گروه از نسخه‌های ذکر شده نسبت به تصحیح دبیرسیاقی صحیحتر بنظر می‌آیند. زیرا هم میتوان گفت پرچم غزنویان بعلت قدرتی که در دستگاه عباسیان داشته از درب محل خلافت آنها یعنی بغداد نصب شده بوده یا بصورت شکل دوم بگوییم: پرچم محمود در اثر فتح قندهار از درب بارهٔ (دیوار) آنجا نیز آویزان بوده است.

مثال دیگر:

این پدر داند پسر کاین پادشه فرزند اوست وان پسر کو را نماید سوی دانا دختر است
(همان: ص ۱۷، بیت ۲۰۳)

معنای بیت به این صورت چنین است: "این پدر، پسرش را می‌شناسد زیرا این پادشاه فرزند اوست و آن پسر که او را نشان دهد و نشانگر باشد، نزدیک خردمند دختر بشمار می‌آید." مصرع دوم در این شکل معنای درستی ندارد. در نسخهٔ مج ۹ بجای کلمهٔ "نماید" کلمهٔ "نماند" آمده است. به این صورت: این پدر داند پسر کاین پادشاه فرزند اوست/ وان پسر کو را نماند سوی دانا دختر است. در این شکل به معنای صحیح و درست این بیت دست می‌یابیم. زیرا شاعر می‌خواهد بگوید: پسر که همانند پدرش نباشد، از نظر فرد دانا دختر است. بنابراین متن نسخهٔ مج ۹ بر متن تصحیح دبیرسیاقی برتری دارد.

مثال دیگر:

همی بجوشد زلفش ز عشق خویش چو من چرا بجوشد مسکین بر آتشین بستر؟

(همان: ص ۱۵۸، بیت ۱۶۶۳)

معنی بیت: زلف معشوق نیز همچو من که از عشق او در جوش و خروشم در بیتابی است. مصرع دوم: حال این بیچاره (زلف) چرا در جوشش و بیقراری است؟ پرسش شاعر در مصرع دوم به این شکل کاملاً بیمعنا است، زیرا خود شاعر دلیل بیتابی زلف معشوق که قرار گرفتن بر بستر از آتش است (صورت سرخ معشوق) را بیان کرده است. در نسخهٔ مج ۹ بجای کلمه "بجوشد" واژهٔ "نجوشد" آمده است. با این تغییر معنی بیت نیز درست خواهد شد و به مقصود شاعر که می‌خواهد این جمله را بگوید: چرا زلف بیچاره بر چهرهٔ آتشینش در بیتابی نباشد؟ (یعنی باید بیتاب باشد) دست می‌یابیم.

مثال دیگر:

چو فیروزه بر آینهٔ آبگیر برآورده نیلوفر سازگار

(همان، بیت‌های پراکنده، ص ۳۳۱، بیت ۳۱۴۶)

نیلوفر گلی است که در آب می‌روید، برگ‌هایی آبی دارد و گل وسط آن معمولاً زرد رنگ است. سراینندگان معمولاً نیلوفر را کبودجامه یا با صفت کبودی که میتوان آن را نشانهٔ سوگواری دانست همراه می‌کنند. مثال: تا بود لعلی نعت گل نار/ چون کبودی صفت نیلوفر (دیوان فرخی: ص ۱۳۹)، اما هرگز در وصف آن صفت سازگار نیاورده‌اند. به نظر این واژه تغییرشکل‌یافتهٔ سوگوار است، زیرا چشمان تر نیلوفر و جامهٔ کبود وی، به سوگواری نزدیک است نه به سازگاری. در نسخهٔ من ۲ بجای واژهٔ سازگار، واژهٔ سوگوار آمده است:

حکایت کند نرگس اندر چمن	ز چشم دلارام روز خماری
ز مینا یکی شاخ دیدی لطیف	درم برگ آن شاخ و دینار بار
چو فیروزه بر آینهٔ آبگیر	برآورده نیلوفر سوگوار
چو کافر سیه‌روی بر گرد او	ز دوده سنانها بود آبدار

با توجه به بیت‌های قبل و بعد این بیت، مشخص است که این بیت در وصف چشم نیلی معشوق در حالت خماری است. مه همچون نیلوفر سوگواری است که در آبگیر روییده است و مژگان او در اطراف آن همانند سنانهای آبداده‌ای است که همچون کافران سیاهند.

صورت بهتر بیت بدین ترتیب است:

چو فیروزه بر آیینۀ آبگیر برآورده نیلوفر سوگوار
بنابراین واژه سازگار در تصحیح دبیرسیاقی غلط است.

مثال دیگر:

بار عشقش من کشم زلفین او گشته‌ست کوژ انده هجران مرا و جسم او شد سوگوار
(همان: ص ۵۴، بیت ۶۷۰)
در مصرع دوم، سوگوار شدن جسم، چندان مناسب نیست. با توجه به کلمه زلفین در مصراع نخست، در مصراع دوم هم باید عضوی از بدن بکار رفته باشد نه خود بدن (جسم). جسم باید تغییر یافته چشم باشد و سوگواری نیز با چشم مناسب‌تر است. پس براساس نسخه مج ۹، صورت صحیح بیت این‌گونه است:
بار عشقش من کشم زلفین او گشته‌ست کوژ اندوه هجران مرا و چشم او شد سوگوار.

مثال دیگر:

آنچه اندر جنگ سرجاهان تو کردی خسروا بیشک از خسرو نیامد بر سر افراسیاب
(همان: ص ۱۴، بیت ۱۶۲)

واژه موردنظر ما در اینجا کلمه "سرجاهان" است. این کلمه بشکل سرجهان، در فرهنگ لغت نام قلعه‌ای در اطراف زنجان است (دهخدا: ذیل واژه سرجهان) که در تصحیح دبیرسیاقی در پاورقی همین شعر نیز ذکر شده است. اما نکته اینجاست که در فتوحات و جنگ‌های محمود او هیچ جنگی در این ناحیه یا حوالی این قلعه نداشته است و دلیل برای این ادعا تاریخ بیهقی و کتب مربوط به تاریخ غزنویان است که هیچ اشاره‌ای به نام این قلعه در آنها نشده است. این بیت در نسخه مج ۹ به این شکل آمده است:

آنچه در جنگ از تو آمد بر سر خان خسروا/ بی‌شک از خسرو نیامد بر سر افراسیاب. این شکل از بیت به احتمال زیاد متن اصلی شعر میباشد و جنگ محمود با خان، اشاره به جنگی است که سلطان محمود با ایلک خان قراخانی و یوسف خان خرائی در سال ۳۹۸ هجری قمری در پی حملات آنها به بلخ و شکست سختی که سلطان محمود به ایشان وارد کرد دارد (غزنویان از پیدایش تا فروپاشی، فروزانی: ص ۱۳۰). بنابراین متن نسخه مج ۹ صورت درست این بیت است. مثال دیگر:

ز تبت به مغز اندرش کاروان ز عسکر به طبع اندر او را شکر

(همان: ص ۵۳، بیت ۶۵۹)

در نسخه‌های احیا، سپه، مل ۲، مج ۱، مج ۲، مج ۳، مج ۸، مج ۹ بجای واژه "شکر" در مصرع دوم کلمه "نفر" آمده است. شکر در همین قصیده یک بار قافیه شده، اما مصحح به این تکرار قافیه توجهی نکرده است. ز روی و ز بالا و زلف و لبش/ خجل شد گل و سرو و مشک و شکر
اما گویا چون واژه عسکر که با شکر تناسب دارد، مصحح را به اشتباه انداخته و بدین سبب شکر را انتخاب کرده است. واژه نفر برای این بیت مناسب‌تر است، زیرا همانطور که در مصراع نخست، تبت آمده، نه محصول تبت (مشک)، در مصراع دوم هم قرار نیست که محصول عسکر، یعنی شکر ذکر شود. نفر در مصراع دوم، با واژه کاروان در مصراع نخست تناسب بیشتری دارد.

مثال دیگر:

زین جهان مندیش او را گیر کو نه زین جهان
سر به از افسر علی حال ار چه نیکو افسر است
(همان: ص ۱۷، بیت ۲۰۰)

قید نفی "نه" در این بیت، معنای مصرع اول و نیز ارتباط دو مصرع را برهم زده است؛ آنچه باید جایگزین آن بشود، "به" است؛ به این ترتیب معنای بیت چنین است: از این جهان مندیش و پروای آن را نداشته باش. به او (ممدوح) پناه ببر، زیرا او از این جهان بهتر است؛ همچنانکه سر از افسر بهتر است، اگرچه افسر نیز نیکوست.

مثال دیگر:

اگر گوهر فشانی روز رادی
عجب نبود که تو دریا بیانی
(همان: ص ۳۰۳، بیت ۲۸۷۷)

ایراد این بیت تکرار قافیه است و همچنین ناهماهنگی معنای مصراع دوم و ربط آن با مصراع اول. در پنج بیت پیش از این، بیان قافیه بوده است:

جوانمردی یکی مرموز لفظی است
مر آن مرموز را شرح و بیانی
کلمه "بیان" باید تغییرشکل یافته کلمه "بنان" باشد. بنان به معنی انگشتان و مجاز از دستان ممدوح است و دست با بخشش ارتباط دارد. ممدوح در روز رادی باید دریا بنان باشد و بر دیگران گوهر ببخشد و نه دریا بیان، زیرا این بیت وصف سخاوت اوست و نه فصاحت او. بنابراین صورت درست، دریا بنان است (تصحیح قیاسی).

نتیجه‌گیری

در تصحیح دیوان عنصری به کوشش دبیرسیاقی، همچون تصحیح یحیی قریب، اشکالاتی راه یافته است. با مراجعه به نسخه‌های خطی متعددی که بدانها دست یافته‌ایم و با توجه به برخی ویژگیهای سبکی عنصری و معاصران او، دریافتیم که اشکالات وارد شده در تصحیح‌های انجام‌شده از سروده‌های عنصری یا ناشی از اشتباه کاتبان بوده یا مصححان. با توجه به مثالهایی که در مقاله حاضر آورده‌ایم، میتوان این معایب را در چند دسته زیر طبقه‌بندی کرد:

۱. کاربرد نادرست اسم و فعل
۲. اشتباه در نقطه‌گذاری
۳. کاربرد اسم بجای فعل
۴. تکرار قافیه در یک بیت یا در یک قصیده
۵. کاربرد کلماتی با معنای نامفهوم
۶. عدم رعایت تناسب معنایی بین کلمات

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه علامه طباطبایی استخراج شده است. آقای دکتر غلامرضا مستعلی پارسا راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح

اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم فرزانه غفاری به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه علامه طباطبایی و هیئت داوران رساله که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Rudaki. (۲۰۰۳). Poetry Divan, with description (containing all the poems documented based on the latest findings with bitcoin and general index). To correct and explain Jafar Shaar. Third edition. Tehran: Qatre.
- Onsori Balkhi. (۱۹۸۴). Poetry Divan. Edited by Mohammad Dabirsiyaghi, second edition, Tehran: Sanai Library.
- Farrokhi Sistani. (۲۰۰۱). Poetry Divan, By the efforts of Mohammad Dabirsiyaghi. Sixth edition. Tehran: Zavvar.
- Hakim Abolghasem Ferdowsi. (۱۹۹۲). Shahnameh, Correction of Jules Mol. Introduced by Mohammad Amin Riahi, third edition. Tehran: Sokhan.
- Forouzani, Seyed Abolghasem. (۲۰۰۶). Ghaznavids from birth to collapse. Tehran: Samt, p.۱۳۰.
- Dekhoda. Ali Akbar. (۱۹۹۸). Dictionary, Tehran: University of Tehran Press.
- Nezami. (۱۹۹۴). Lily and Majnoon, Ahmadinejad's complete translation, including a summary and description of Lily and Majnoon Nezami, Tehran: Zavvar.

فهرست منابع فارسی

- دیوان شعر رودکی. (۱۳۸۲). با شرح و توضیح (حاوی همه اشعار مستند بر پایه تازترین یافته‌ها با بیت‌نما و نمایه عام). به تصحیح و شرح جعفر شعار. چاپ سوم. تهران: قطره.
- دیوان. عنصری بلخی. (۱۳۶۳) تصحیح محمد دبیرسیاقی، چاپ دوم، تهران: کتابخانه سنائی.
- دیوان قصاید. فرخی سیستانی. (۱۳۸۰). به کوشش محمد دبیرسیاقی. چاپ ششم. تهران: زوآر.

شاهنامه، حکیم ابوالقاسم فردوسی. (۱۳۷۱) تصحیح ژول مول. با مقدمه محمدامین ریاحی، چاپ سوم. تهران: سخن.

غزویان از پیدایش تا فروپاشی. فروزانی، سیدابوالقاسم (۱۳۸۵). تهران: سمت.

لغتنامه. دهخدا. علی‌اکبر. (۱۳۷۷) تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

لیلی و مجنون، نظامی. (پژوهشی در ریشه‌های تاریخی و اجتماعی داستان). ا. کراچکوفسکی. (۱۳۷۳) ترجمه کامل احمدنژاد به انضمام تلخیص و شرح لیلی و مجنون نظامی، تهران: زوار.

معرفی نویسندگان

غلامرضا مستعلی پارسا: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول: Email: mastali.parsa@gmail.com)

فرزانه غفاری: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

(Email: farzanehghaffari67@gmail.com)

COPYRIGHTS

© ۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Gholamreza Mostali Parsa: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

(Email: mastali.parsa@gmail.com : Responsible author)

Farzaneh Ghaffari: PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

(Email: farzanehghaffari67@gmail.com)